



«همیار پلیس»

آخرین روزهای بهمن ماه بود. دانش آموزان سر کلاس درس نشسته بودند. ناگهان در کلاس زده شد. آموزگار از کلاس بیرون رفت. سپس به کلاس برگشت و گفت: «امروز، ما در کلاس یک مهمان داریم.»

آقای مدیر، همراه مهمانی با لباس سفید و کلاه وارد شد. همه دانش آموزان بلند شدند. آن‌ها با دیدن او هورا کشیدند و فریاد زدند: «آقای پلیس، آقای پلیس.» آقای پلیس سلام کرد و گفت: «ما برای اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی به کمک شما دانش آموزان نیاز داریم. می‌دانید که سال نو نزدیک است و سفرهای نوروزی در پیش است. هر کدام از شما باید قوانین را خوب یاد بگیرید و مانند پلیس به همراهان خود گوشزد کنید.»

امروز من از میان شما کسانی را که قوانین را خوب می‌دانند برای همیاری پلیس انتخاب می‌کنم.

خبر بسیار خوشی بود. آقای پلیس با مهربانی از دانش آموزان پرسش‌هایی پرسید:

«آیا استفاده از تلفن همراه هنگام رانندگی مجاز است؟»

«آیا بستن کمربند ایمنی لازم است؟»

«خوردن و آشامیدن در هنگام رانندگی کار درستی است؟»

«رانندگی با شتاب برای زود رسیدن، درست است؟»

هادی و مهدی به پرسش‌ها به خوبی پاسخ دادند.

آقای پلیس آنان را انتخاب کرد و به آن‌ها کلاه، لباس و کارت همیار را هدیه داد. هادی و مهدی همیشه آرزو داشتند پلیس بشوند. آنان قول دادند همیشه در کنار پلیس باشند و قوانین را به دیگران آموزش دهند.

پس از پوشیدن لباس‌ها آن دو بسیار شبیه آقای پلیس شدند.

آقای پلیس خندید و گفت: «ورود شما را به نیروی پلیس خوش آمد می‌گویم.» دانش آموزان برای همیاران پلیس دست زدند و به آنان تبریک گفتند.

